

مقایسه جایگاه اجتماعی زنان در سه سفرنامه عصر ناصری (1264-1313ق/1848/1896م)

¹ صدیقه بیات

² شهربانو دلبری

³ طاهره عظیم زاده تهرانی

⁴ یوسف متولی حقیقی

تاریخ دریافت: 97/05/23

تاریخ پذیرش: 97/11/09

چکیده

یکی از موضوعات مورد توجه سفرنامه‌نویسان دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه، وضعیت و جایگاه اجتماعی زنان در آن دوره بوده است. در این دوره، رفت و آمد بین ایران و اروپا افزایش یافت و دو تن از اروپائیان که در دوره ناصری به ایران آمدند، مری شیل (همسر وزیر مختار انگلیس) و ادوارد یاکوب پولاک (پزشک اتریشی) بوده‌اند. آنها مجموعه مشاهدات خود را در مورد آداب و رسوم و اوضاع سیاسی اجتماعی زنان ایرانی به رشته تحریر درآورده و به دلیل دسترسی آنان به اندرونی شاه و ملاقات با مهد علیا، مادر شاه و عزت‌الدوله خواهر شاه و دیگر زنان درباری، اطلاعات مهمی از وضعیت اجتماعی زنان در عصر ناصری ارائه می‌دهند. ناصرالدین‌شاه قاجار نیز اولین پادشاه ایرانی بود که سه سفر به اروپا انجام داد و یادداشت‌های روزانه این سفرها را به صورت مکتوب از خود به یادگار باقی گذاشت. در این پژوهش وضعیت اجتماعی و خانوادگی زنان ایران در سفرنامه‌های شیل و پولاک و مقایسه مطالب آنها با سفرنامه فرنگستان ناصرالدین شاه مورد توجه بوده است که به شیوه توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع اصلی (سفرنامه‌های شیل و پولاک و ناصرالدین‌شاه) بررسی شده است. نتایج بدست آمده مشخص کرد شغل پولاک سبب گردیده که اطلاعات بیشتری از وضعیت زنان ایران ارائه دهد. البته شیل و پولاک هر دو بیشتر به مسائل و مشکلات اجتماعی زنان ایران توجه کرده‌اند، درحالی که ناصرالدین شاه توجهی به وضعیت اجتماعی زنان در اروپا نداشته و بیشتر به وضع ظاهری و بدنی و خصوصیات جنسی زنان پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: جایگاه اجتماعی، زنان، شیل، پولاک، ناصرالدین‌شاه، سفرنامه‌ها

¹ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. Bayat1335@gmail.com

² استادیار، گروه تاریخ، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. Tarikh_2003@yahoo.com

³ استادیار، گروه تاریخ، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. Ta_azim@yahoo.com

⁴ استادیار، گروه تاریخ، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. motavali.haghighi.yosef@gmail.com

مقدمه

در دوره طولانی سلطنت ناصرالدین‌شاه، ورود زنان و مردان اروپایی به ایران افزایش یافت. برخی از آنان به دلیل موقعیت شغلی و منصب اجتماعی موفق شدند به اندرونی شاه راه یابند و ارتباط آنان با زنان درباری و غیره از عواملی شد که زن و جایگاه اجتماعی او از مسائل قابل توجه نزد سفرنامه‌نویسان اروپایی قرار گیرد. از جمله این زنان مری شیل همسر وزیرمختار انگلستان است که قریب چهارسال به همراه همسر و فرزندانش در ایران زندگی و چندین ملاقات با مادر ناصرالدین‌شاه «مهد علیا» و خواهر شاه «عزت‌الدوله» داشته است لیدی شیل وضعیت زنان ایران را به لحاظ جایگاه اجتماعی و خانوادگی مورد توجه قرار داده و گاه موقعیت آنان را با وضعیت زنان اروپایی مقایسه نموده است.

مقارن حضور لیدی شیل، ادوارد یاکوب پولاک، برای تدریس در دارالفنون و طبابت به ایران آمد و قریب ده‌سال در ایران زندگی کرد که پنج سال دوم را به عنوان پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه به دربار راه یافت. حضور پولاک در دربار ناصری و طبابت زنان درباری، سبب شده که سفرنامه او از منابع قابل اهمیت در شناخت وضعیت اجتماعی زنان ایران به شمار رود. ناصرالدین‌شاه نیز در نیمه دوم سلطنت خود، سه سفر به اروپا انجام داد که در کتاب سفر دوم ناصرالدین‌شاه آمده که سفر اول و سوم، شش‌ماه و سفر دوم چهارماه و اندی طول کشیده است. تفاوت سفر دوم با دوسفر اول و سوم این بوده که ناصرالدین‌شاه در سفر دوم به انگلستان نرفت.¹ فصیحی‌زاده سفر اول ناصرالدین‌شاه را پنج‌ماه و اندی، سفر دوم را چهارماه و نه روز و سفر سوم را شش‌ماه و دوازده روز نوشته است.² جمع این مدت قریب یکسال و نیم بوده است. (جدول شماره 1) نگارش یادداشت‌های روزانه شاه از سفر به اروپا و توجه به موضوعات با اهمیت از نظر شاهانه، اهمیت سفرنامه او را به عنوان یک سند معتبر به رسمیت شناخته است. مقایسه یادداشت‌های سفر به فرنگستان ناصرالدین‌شاه با دیدگاه دو سفرنامه‌نویس اروپایی همزمان او، از موضوعات قابل اهمیتی است که سبب آشنایی معاصرین با دیدگاه‌های سفرنامه‌نویسان دوره ناصری می‌شود.

جدول شماره 1

| ردیف | نویسنده | ملیت | تاریخ مراجعه به ایران/اروپا | مدت اقامت | محل اقامت | شغل | علت مسافرت |
|------|--|---------|--|---|-----------|---|---|
| 1 | مری شیل Mary Sheil | انگلیسی | 1273-1269ق/ 1853-1849م | سه سال و نه ماه | تهران | همسر وزیر مختار انگلیس | همراهی با همسر |
| 2 | ادوارد یاکوب پولاک Eduard Jakob Polak | اتریش | 1281-1272ق/ 1860-1851م | نه سال و اندی | تهران | طبيب، مدرس دارالفنون، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه | به دعوت دولت ایران برای تدریس در دارالفنون/ پنج سال اقامت در ایران پزشک دربار |
| 3 | ناصرالدین شاه Naser al-Din Shah Qajar | ایران | سفر اول 1290ق/1873م سفر دوم 1295ق/1879م سفر سوم 1306ق/1889م | پنج ماه و اندی چهارماه و نه روز شش ماه و دوازده روز | | پادشاه ایران | سفر اول شاه به دعوت پادشاه انگلیس و سفرهای بعدی تفریحی و سیاحتی |

ناصرالدین شاه در این سفرها از روسیه، عثمانی، آلمان (پروس)، بلژیک، انگلیس، فرانسه، سوئیس، ایتالیا و اتریش دیدن کرد. با بررسی سفرنامه های شیل و پولاک، موضوعات مهم اجتماعی و خانوادگی زنان ایرانی در چند مسأله شاخص و برجسته آمده است؛ فرهنگ مردسالاری، تعدد زوجات، ازدواج در سنین پایین، اهمیت فرزند آوری و بخصوص زائیدن پسر، نحوه پوشش و حجاب زنان و رواج خرافات و سرگرمی‌های رایج بین زنان، تقریباً مطالب مشترکی در هر دو سفرنامه راجع به این موضوعات وجود دارد.

درباره وضعیت اجتماعی زنان در دوره قاجار کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است که یکی از مهم‌ترین منابع مطالعه در این موضوعات، نوشته‌های سفرنامه‌نویسان خارجی دوره قاجار بوده است. وضعیت اجتماعی زنان ایران در دوره قاجار مورد توجه برخی دیگر از سفرنامه نویسان خارجی قرار

گرفت؛ کارلا سرنا (1362: 181-182)، کلارا کولیور رایس (1383: 84، 85، 100، 690)، مادام دیولافوا (1390: 234) و هانری رنه دالمانی (1335: 30، 31) از جمله اروپائینی هستند که در نوشته‌هایشان به جایگاه اجتماعی زنان ایران توجه نشان داده‌اند. علت انتخاب لیدی شیل و پولاک برای بررسی مقایسه‌ای جایگاه اجتماعی زنان عصر ناصری، به دلایل متعددی است. دلیل نخست این که شیل و پولاک هر دو سالهای تقریباً طولانی در ایران اقامت داشته‌اند و به مسائل زنان نیز پرداخته‌اند. دیگر اینکه حضور آنان در ایران در عصر سلطنت ناصرالدین‌شاه بوده است. توجه به شغل و جنسیت آن دو و راه‌یابی آنان به اندرونی شاه و ارتباط با زنان طبقات مختلف اجتماعی از علل دیگر این انتخاب بوده است. ضمن اینکه مطالب آنان به صورت نوشتاری برای پژوهشگران تاریخ معاصر در دسترس است.

علت انتخاب سفرنامه ناصرالدین‌شاه به فرنگستان هم این بوده که ناصرالدین‌شاه اولین پادشاه ایران بود که به اروپا سفر کرد و خاطرات این سفر را در یادداشت‌های روزانه‌اش نوشته است.

موضوع زنان در سفرنامه‌های خارجیانی که در دوره قاجار به ایران آمده بودند، مورد توجه برخی از نویسندگان تاریخ معاصر قرار گرفته است. میترا مهرآبادی در کتاب «زن ایرانی در نوشته‌های سفرنامه‌نویسان فرنگی» و آزاده حیدری در مقاله خود با عنوان «زن ایرانی به روایت زنان سیاح انگلیسی» به این موضوع پرداخته‌اند. اما ایشان به موضوع زنان در سفرنامه‌ها توجه نشان داده ولی مقایسه‌ای بین نوشته‌های سفرنامه‌نویسان انجام نداده‌اند. سکینه کافی خواچانی، در پایان نامه خود تحت عنوان «نگاهی به وضعیت زن مسلمان ایرانی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان»، و طاهره عظیم‌زاده تهرانی در مقاله «سه زن در دربار ناصری» به موضوع نظریات شیل و پولاک توجه داشته‌اند. در مقاله حاضر به بررسی و مقایسه مطالب دو تن از سفرنامه‌نویسان انگلیسی (زن) و اتریشی (مرد) در دوره اول سلطنت ناصرالدین‌شاه پرداخته شده و سپس با موضوع سفرنامه‌های سه‌گانه ناصرالدین‌شاه به فرنگستان مقایسه گردیده است. قبل از پرداختن به موضوع اصلی، ضروری است نگاه اجمالی به جایگاه اجتماعی زنان اروپایی و ایرانی در نیمه دوم قرن نوزدهم (مقارن سلطنت ناصرالدین‌شاه) داشته باشیم.

1- وضعیت اجتماعی زنان اروپا در نیمه دوم قرن نوزدهم

از اوایل قرن نوزدهم، سرمایه‌داری غربی به تمام کشورهای جهان گسترش یافت و با ظهور استعمار، رقابت شدیدی بین کشورهای اروپایی برای دستیابی به مواد اولیه و بازارهای فروش کالاهای صنعتی

شکل گرفت شروع استعمارگری اروپائیان آنان را متوجه مشرق زمین کرد و حس کنجکاوی اروپائیان برای شناخت مشرق زمین افزایش یافت. این در حالی بود که زنان در سراسر جهان کم و بیش از حقوق سیاسی اجتماعی محروم بودند و جنبش‌هایی در جهت مطالبات سیاسی اجتماعی در زنان اروپایی در حال اوج‌گیری بوده است. در جوامع اروپایی قرن نوزدهم، زنان کارگر علیه دستمزد کم، بیکاری و دشواری کارهایی که به آنها واگذار می‌شد و زنان طبقه متوسط علیه محرومیت از تمامی حقوق سیاسی و اجتماعی دست به قیام زدند و از پایمال شدن حقوق خود گلایه‌مند بودند.³

افزایش نسبی جمعیت، کاهش مرگ‌ومیر به دلیل بهبود شرایط بهداشتی و ازدیاد تعداد نوزادان به خوبی فضا را برای افزایش مطالبات زنان فراهم آورده بود.⁴ مقارن با شروع سلطنت ناصرالدین‌شاه (1264ق/1848) حرکت‌های انقلابی در سراسر پایتخت‌های اروپایی در بهار و تابستان 1848 فوران نمود. یکی از این موج‌های ناآرامی، جنبش جهانی زنان بود که اولین روزنامه فمینیستی در همان سال (1848م) منتشر شد و انجمن‌های زنان شکل گرفت.⁵ این انجمن‌ها خواستار افزایش سن ازدواج و مشارکت مردان در امور خانه بودند.⁶

البته فکر انقلابی‌تر برای فمینیست‌های قرن نوزدهم این بود که زنان دیگر کشورها را با یکدیگر متحد نموده و به یاری یکدیگر حقوق خود را به دست آورند. در حقیقت قرن نوزدهم، قرن ظهور فمینیسم فراگیر و ایجاد اولین و برجسته‌ترین تشکلهای بین‌المللی زنان بوده است.

در زمانی که لیدی شیل در ایران به سرمی‌برد (1849-1853) در انگلستان انجمن‌هایی از زنان تشکیل شد که هدفشان کسب حقوق مساوی با مردان با حمایت جان استوارت میل، فیلسوف و اقتصاددان انگلیسی (1806-1873) مدافع بزرگ حقوق زنان بوده است. استوارت میل با حمایت انجمن‌های زنان به پارلمان راه یافت و برای تحقق مطالبات سیاسی اجتماعی زنان انگلیسی تلاش‌های زیادی انجام داد.⁷

مقارن با افزایش مطالبات برابری خواهانه زنان غربی ناصرالدین‌شاه سفرهای سه‌گانه‌اش را به اروپا انجام داد. ناصرالدین‌شاه در سفر اولش به انگلستان رفت و این در زمانی بود که جنبش اجتماعی زنان در انگلیس فعالیت‌های پرماجرایی داشت اما برای شاه جنبش زنان اهمیتی نداشت که به آن توجهی نشان دهد زیرا در ایران مطالباتی از سوی زنان ایران نبود که سبب نگرانی شاه را فراهم آورد. برعکس ناصرالدین‌شاه که از جامعه‌ای با کمترین اعتراض زنان، به اروپا آمده بود در نتیجه، مسائل اجتماعی زنان برایش چندان قابل توجه نبود اما شیل و پولاک از جامعه‌ای پرهیاهو از مطالبات

برابری خواهانه زنان، به ایران آمده بودند، در نتیجه جایگاه و موقعیت اجتماعی زنان ایرانی برایشان مهم به نظر می‌رسید و به آن توجه ویژه‌ای مبذول داشتند. در زمانی که در غرب جنبش فمینیستی زنان در حال شکل‌گیری و گسترش بود، جالب است بدانیم وضعیت اجتماعی زنان ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم چگونه است.

2- وضعیت اجتماعی زنان ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم

دوران طولانی سلطنت ناصرالدین‌شاه، مصادف با پیشرفت‌های علمی و صنعتی اروپائیان و بارور شدن انقلاب صنعتی و بروز انقلابات و هیجانات ملی و تشکیل دولت‌های جوان اروپایی و بسط سیاست استعماری مملکت‌های غربی و گسترش جنبش برابری و تساوی طلبانه زنان غربی بوده است.⁸ در این شرایط که زنان اروپایی برای دستیابی به مطالبات خود تلاش می‌کردند، باتوجه به منابع اصلی و نوشته‌های سفرنامه نویسان، اینگونه به نظر می‌رسد که زنان ایرانی از جایگاه و موقعیت اجتماعی مناسبی برخوردار نبودند. فرهنگ مردسالاری چنان بر جامعه سایه افکنده بود که زن و فرزند جزئی از دارایی شوهر به حساب می‌آمد و مرد حق این را داشت که هرگونه بخواهد با زنش رفتار کند و نظام قانونی و شرعی هم، تسلط مرد را بر همسرش تأیید می‌کرد و زن چاره‌ای جز اطاعت و تسلیم در مقابل خواسته‌های مرد نداشت. شرایط تحصیل و آموزش و کسب مهارت برای عموم زنان فراهم نبود. زنان در کسب توانایی و مهارت ناامید و مردان رفتار تحقیر آمیزی نسبت به زنان روا می‌داشتند.⁹ ازدواج در سنین پایین و بدون رضایت دختران انجام می‌گرفت. گاه دختران کم‌سن و سال به ازدواج مردان کهنسال و صاحب همسر درمی‌آمدند و این دخترکان ناچار بودند در کنار دیگر همسران شوهر، شرایط سختی را تحمل نمایند. اگر زنی به وضعیت خود معترض می‌شد مورد ضرب و شتم قرار گرفته و حتی حکم طلاق آنان جاری می‌شد.¹⁰ فقدان امنیت قانونی و شرعی و نداشتن استقلال مالی، فرصت اعتراض را از زنان گرفته بود.

از موضوعات با اهمیت برای زنان، فرزندآوری و بخصوص زائیدن پسر بود و اگر زنی فرزند پسر می‌آورد به خودش می‌بالید و اگر دختری می‌آورد غرق غم و اندوه می‌شد و کمتر مورد توجه همسرش قرار می‌گرفت.¹¹ در دنیای متلاطم آزادی‌خواهی غرب، زن ایرانی در سکوت و انزوا روزگار می‌گذرانید. در چنین فضا و جوی بود که اروپائیان قدم به ایران نهادند، بنابراین طبیعی بود که یکی از موضوعات مورد علاقه آنان قلمفرسایی در مورد جایگاه اجتماعی و خانوادگی زنان ایرانی باشد.

3- جایگاه اجتماعی زنان عصر ناصری در «سفرنامه شیل»

مری شیل¹² معروف به لیدی شیل به مدت قریب چهارسال (از هفت اوت 1849 تا اواسط ژوئن 1853 م) به همراه شوهرش «کلنل شیل» و فرزندانش در ایران زندگی کرده و از نزدیک با زنان دربار ناصرالدین شاه (مهد علیا و عزت الدوله، مادر و خواهر شاه) ملاقات و با کنجکاوای که در طول سفرش به مردم ایران داشته، پس از بازگشت به انگلستان، در سال 1856 مجموعه خاطرات خود را از سفر به ایران به صورت کتابی به چاپ رسانید. او در این کتاب طرز زندگی و اخلاق و آداب مردم ایران را شرح و بسط داده است. حاکمیت فرهنگ مرد سالاری، تعدد زوجات و اهمیت زائیدن پسر و سرگرمی و تفریحات رایج بین زنان ایران و مقایسه آن با سرگرمی و تفریحات زنان اروپایی از موضوعاتی است که شیل به آن توجه نشان داده است (جدول شماره 2).

جدول شماره 2: مقایسه جایگاه اجتماعی زنان در سه سفرنامه شیل، پولاک، ناصرالدین شاه

| ردیف | نویسنده | فرهنگ مردم سالاری | ازدواج در سنین پائین | تعدد زوجات | فرزند آوری و بخصوص پسر | خرافات | سرگرمی و تفریحات | ملاحظات |
|------|--------------------|---------------------|----------------------|---------------------|---------------------------|---------------------------|---------------------|-------------------------|
| 1 | مری شیل | 4صفحه ¹³ | - | 6صفحه ¹⁴ | یک پاراگراف ¹⁵ | یک پاراگراف ¹⁶ | 7صفحه ¹⁷ | مطالب براساس صفحات کتاب |
| 2 | ادوارد یاکوب پولاک | 6صفحه ¹⁸ | 10صفحه ¹⁹ | 8صفحه ²⁰ | 5صفحه ²¹ | 4صفحه ²² | 7صفحه ²³ | |
| 3 | ناصرالدین شاه | - | - | - | 3صفحه ²⁴ | یک پاراگراف ²⁵ | 8صفحه ²⁶ | |

3-1- فرهنگ مرد سالاری

به طور کلی نظام حاکم بر خانواده ایرانی در دوره قاجار نظام پدرسالار بوده، زن جزو مایملک محسوب می‌شد و اطاعت کامل از مرد بر زن واجب و ضروری بوده است. مردهای ایرانی از بردن نام همسر خود اجتناب کرده و آنان را به نام پسر بزرگ خود می‌نامیدند، قوانین شرعی و عرفی هم تأیید کننده تسلط مرد بر خانواده بوده است. این نظام مردسالار فقط منحصر به خانواده‌های فقیر و تهیدست و طبقات عامه شهری نبود، بلکه در دربار هم وجود داشت. البته زنانی که باهوش‌تر از مردان‌شان بودند و یا موقعیت اجتماعی و منصب خانوادگی بالاتری داشتند در منزل صاحب نفوذ و

قدرت می شدند و گاه بر مرد و سایر زنان حرم مسلط شده و حتی بر شوهر امر و نهی می کردند و تا حدی، امکانات را در قبضه قدرت خود درمی آوردند. ولی تعداد این دسته زنان بسیار اندک بود.²⁷

فضا و جو مردسالاری چنان بر خانواده سایه افکنده بود که اگر زنان قلبا هم راضی به پذیرش آن نبودند اما به صورت ظاهر، ناچار از تسلیم در برابر آن بودند. یک نمونه از داستان مردسالاری در زندگی خصوصی مادر شاه را لیدی شیل در کتابش این گونه بیان می کند، که در دومین ملاقات با مهد علیا (ماه ژانویه 1851) لیدی شیل به همراه ملکه مادر، به ملاقات ناصرالدین شاه رفته و پس از گفتگوی با شاه، به قصر بازمی گردند. مهد علیا تصویر همسرش (محمدشاه) را به شیل نشان داده و بر سر و سینه می زند و با ناله کردن از مرگ همسرش، برای لیدی شیل توضیح می دهد، زمانی که در دوره ولایتعهدی محمدشاه در تبریز بوده اند مهد علیا برای خوشحالی و خشنودی همسرش یک کار عجیبی انجام داده و آن اینکه از یک نفر انگلیسی مبلغی پول قرض گرفته و سپس با آن یک دختر چرکسی²⁸ را خریداری نموده و فوراً به عنوان هدیه و پیشکش تقدیم سرورش (محمدشاه) می نماید.²⁹

داستانی که مهدعلیا برای شیل تعریف می کند، نشان دهنده ویژگی و خصوصیت مردسالاری است که بر حرمسرا غالب بوده؛ نقل این خاطره بیانگر وضعیت اجتماعی زنان درباری دوره قاجار بوده است. اول اینکه زانی مانند مهدعلیا به ناچار چندهمسری را پذیرفته و تلاش برای خشنودی همسر را نشانه ایثار و فداکاری و علاقه خود دانسته اند، دوم اینکه رنج و سوز درونی این گونه زنان در لابلای خاطراتشان پنهان مانده است و سوم اینکه اقدام این دسته زنان، رویه ای را بنا می نهاد که در مردان نسل بعدی هم این گونه کارها، یک امر طبیعی به حساب می آمده است چنانکه در دوره ناصرالدین شاه نیز این رویه ادامه می یابد.

در ملاقاتی که شیل با مهدعلیا دارد از هوش و فطانت مادرشاه و مسئولیت اصلی او در اداره حرمسرای شاهی به خوبی یاد می کند، اما بقیه زنان حاضر در ملاقات، به گفته شیل «حتی یک کلمه هم بر زبان نیاوردند و مانند یک مجسمه ساکت بر جای خود نشستند».³⁰ این دسته زنان تسلیم حاکمیت مردسالاری حرمسرا بوده اند.

مادر ناصرالدین شاه از همسر وزیر اعظم انگلستان، سوال های فراوانی راجع به ملکه انگلستان می کند و در اظهار نظر عجیبی می گوید: «آدمی خوشبخت تر از علیاحضرت ملکه، در دنیا وجود ندارد، چون خانواده ای صمیمی، شوهری فداکار و قدرتی فراوان دارد».³¹

به نظر می‌رسد اظهار نظر یکی از زنان قدرتمند دربار ناصری از موقعیت ملکه انگلیس، مقایسه‌ای از وضعیت زنان دربار انگلستان با ضعف‌های درونی حرمسرای ناصرالدین شاه است. مهد علیا شیفته شوکت و قدرت ملکه انگلستان در اداره امور کشوری و خانوادگی است. لیدی شیل با عزت‌الدوله، خواهر ناصرالدین شاه و همسر صدراعظم سابق (امیرکبیر) ملاقاتی دارد و کنجکاوای همسر وزیر اعظم انگلیس بر این بوده که افکار و احساسات عزت‌الدوله را بعد از کشته شدن همسرش به دستور شاه بدانند. اما حضور مهدعلیا مانع از این گفتگو می‌شود.³²

گزارشی از اندرونی و حرمسرای شاه و شاهزادگان، اغلب اتفاقات هولناک و صحنه‌های وحشتناکی را روایت می‌کند که نشانه حاکمیت نظام استبدادی در درون دربار بوده است:

«حرمسراها، مردان تنگ‌نظر و خشن و هرزه و عقده‌دار به زنان بی‌دفاع، ظلم‌های بی‌شماری روا می‌دارند که گاه عواقب دردناک آن دامنگیر خود آن مردان هم می‌شود، گاه کنیزان خونشان به جوش آمده و برای تلافی، یک جرعه نوشابه زهرآلود را به سرورش می‌دهد و او را راحت می‌کند».³³

لیدی شیل، به عنوان همسر وزیر مختار انگلیس در ایران، فرصت معاشرت و حشرونشر بیشتری با زنان دربار و تعداد محدودی از زنان را داشته، بدین لحاظ گاه دچار تناقض‌جویی هم می‌شود در بعضی موارد گزارشی از وضعیت تیره و تار موقعیت زنان ایرانی ارائه می‌دهد و در بعضی موارد هم، اوضاع مناسب و مساعدی از جایگاه اجتماعی زنان ترسیم می‌کند، آنجا که می‌نویسد:

«زن‌های محدودی که با من معاشرت داشتند، عموماً افرادی زنده‌دل و زرنگ هستند و شبانه روز به کار دسیسه‌گری برای ضبط و ربط شوهران و پسرانشان مشغولند. مردان ایرانی هم طوری بار آمده‌اند که فوراً به خواسته‌های زنان خود تسلیم می‌شوند، چه با اصرار و التماس و چه با ناز و غمزه».³⁴

3-2- تعدد زوجات

شیل ازدواج در ایران را به دو شکل تقسیم کرده؛ ازدواج واقعی، ازدواج صیغه‌ای، مردها معمولاً زنان عقدی خود را از خانواده‌های هم‌طراز، انتخاب می‌کردند و زنان صیغه‌ای معمولاً از طبقات پایین اجتماع بوده‌اند که گاه سمت خدمتکار زنان عقدی را داشته‌اند. به نظر شیل ازدواج‌های غیردائمی (صیغه)، دلیل احترام فراوان به زوجه عقدی است زیرا زنان صیغه‌ای حتی اگر صیغه نودونه‌ساله هم باشند ارزش یک زن عقدی را ندارد. اما یک نکته مثبت با وجود مشکلات زنان صیغه‌ای، در چنین شرایطی وجود داشته و آن اینکه فرزندان این گونه زنان معمولاً با بچه‌های زنان عقدی در شرایط مساوی زندگی می‌کردند.³⁵

اما خطر رقیب «هوو» برای زنان وجود داشته، زیرا شرایط به گونه‌ای بوده که اگر زن جوان و زیبا و یا از خانواده‌های متشخصی باشد، مسئله زنان صیغه‌ای کمتر به میان می‌آمده ولی اگر زنی پا به سن می‌گذاشت و جذابیت خود را از دست می‌داد و غرق در کارهای سخت و کمرشکن خانه می‌شد بایستی با حسرت به زن‌های جدیدی که جایش را در نظر شوهر گرفته بودند بنگرد. به همین دلیل به نظر خانم شیل، یک عدم اطمینان و اضطرابی در زنان ایرانی وجود داشته که سبب عدم علاقه زنان ایرانی به شوهرانشان (مانند زنان اروپایی) می‌شده است.³⁶

به عبارتی زنان ایرانی احساس امنیت خاطر نداشتند معمولاً وضعیت زنان روستایی و عشایر، به مراتب بهتر از زنان شهری بوده چون اغلب خواسته‌های آنان به وسیله شوهرانشان اجابت می‌شده و طلاق کمتر در میانشان اتفاق می‌افتاد و معمولاً مردها هم بیشتر از یک زن نمی‌گرفتند ولی در شهرها موضوع به صورت دیگری بوده است.³⁷

رسم چند همسری در بین طبقات مختلف شهری عمومیت داشته و منحصر به طبقه پایین و بالای شهری و درباری نبوده است. یکی از عوامل نگرانی و اضطراب در بین زنان را به وجود می‌آورده و زنان همیشه نگران از دست دادن جایگاه و موقعیت خود در خانواده بوده‌اند. تعدد زوجات از موضوعاتی است که اغلب سفرنامه‌نویسان دوره قاجار به آن پرداخته و از رنج و عذابی که زنان از این بابت متحمل می‌شده‌اند، سخن گفته‌اند.

3-3- فرزندآوری و اهمیت زائیدن پسر

در اهمیت جنسیت فرزندان هم پسرزایی، آرزوی هر زن و جوان بعد از ازدواج بوده است. هرزنی که چند پسر می‌زائید از این راه آینده خود را در منزل شوهرش تثبیت و تأمین می‌کرد زیرا زائیدن دختر برای آنها هیچگونه ارزش نداشت و اصولاً در ایران، هیچ‌کس قدر و قیمتی برای دختران قائل نبود.³⁸ با مطالعه یادداشت‌های سفر ناصرالدین شاه به فرنگ مصداق این طرز تفکر در افکار شاهانه ملاحظه می‌شود. زمانی که از تهران به شاه تلگراف می‌زنند که یکی از زنان شاه دختری آورده، ناصرالدین شاه ضمن بیان این مطلب، در یادداشت‌های روزانه‌اش به صورت سرد و بی‌تفاوت از کنار موضوع می‌گذرد. گویا فقط جهت اطلاع می‌نویسد که به او خبر داده‌اند؛ «بالابلنده دختری آورده».³⁹

همین ناصرالدین شاهی که درباره وضعیت مزاج خود و خونریزی بواسیرش مرتب مطلب می‌نویسد و در اینکه امروز از بواسیرش خون آمده و یا نیامده قلمفرسایی می‌کند درباره تولد دخترش ابراز خوشحالی و اظهار علاقه و اشتیاقی نشان نمی‌دهد.

3-4- سرگرمی و تفریحات

یکی دیگر از موضوعات قابل توجه در سفرنامه شیل، تفاوت سرگرمی زنان ایرانی و اروپایی است. او می‌نویسد که هیچیک از سرگرمی‌هایی که برای زنان اروپایی فراهم است مانند مجالس رقص، تئاتر، اپرا، میهمانی‌های مجلل، رفتن کنار دریا، مطالعه کتاب و سفر به پاریس و رم، برای زن ایرانی وجود ندارد.⁴⁰

سرگرمی و تفریح زنان ایرانی چه بوده است؟ اغلب اوقات بیکاری زنان ایرانی در منازل اقوام و دوستان سپری می‌شده و عصرهای پنج‌شنبه هم غالباً به زیارت امام‌زاده‌ها و بقاع خارج از شهر و یا سرزدن به قبور خویشاوندان اختصاص داشته است. یکی دیگر از سرگرمی‌های زنان ایرانی، کارهای آشپزی و شیرینی‌پزی بوده که بعضی از بانوان نیز در آن مهارت خاصی داشتند.⁴¹

لیدی شیل مثالی از یکی از شاهزاده خانم‌های قاجار می‌زند که شوهرش از دوستان وزیرمختار انگلیس بوده و این شاهزاده خانم، معمولاً برای شام خانم و آقای شیل، یک بره کباب پخته و تزئین شده می‌فرستاده و یا دلمه برگ کلم و یا با پوست پرتقال یا شیرینی‌ها را درست کرده و برای آنان می‌فرستاده است.⁴²

بنابراین تفریحات زنان دوره قاجار به نوشته شیل در چارچوب خانواده و خویشاوندان بوده و از تفریحات در عرصه اجتماعی خبری نبوده است.

3-5- رواج خرافات

زنان دوره قاجار برای جلب مهر و محبت همسرشان و یا رفع شر رقیب (هوو) به خودشان و اگر می‌توانستند به شوهرانشان طلسمی می‌بستند و یا در راه خدا و پیامبر و ائمه، گوسفند و یا چیزهای دیگر نذر می‌کردند که به فقرا بدهند و معمولاً برای این گونه نذر و نیازها هم امام حسین (ع) و یا هر پناهگاه دیگری منبع رفع حاجات بودند. برای ساختن داروی مهر و محبت از انواع و اقسام دعا و طلسم استفاده می‌کردند و گاهی مقدار دارو را زیادی به کار می‌بردند که گاهی باعث مرگ طرف مقابل می‌شد.⁴³

علت رواج خرافات بین زنان در دوره قاجار و بخصوص دوره مورد بحث، با هدف جذب شوهران بوده است. تنها دلجوئی زنان همسر و فرزندانیشان و برای حفظ آنان متوسل به هر خرافاتی می‌شدند.

4- جایگاه اجتماعی زنان عصر ناصری در «سفرنامه پولاک»

ادوارد یاکوب پولاک⁴⁴ از مردم اتریش بود که در سال‌های 1851 تا 1860م قریب ده سال در ایران زندگی کرد و از سال 1855 به بعد، طبیب دربار بود. کتاب پولاک به نام «ایران، سرزمین و مردم آن» در حکم دایره‌المعارف کوچکی از مسائل سیاسی، اجتماعی، طبی، جغرافیایی و اقتصادی در عصر ناصری است. با توجه به سمت طبابت در دربار، او موفق شد گزارش مبتنی بر مشاهدات خود از وضعیت اجتماعی زنان ایران ارائه دهد.

4-1- فرهنگ مرد سالاری

پولاک برعکس شیل، تصویر چندان تیره و تاری از حاکمیت مردان بر خانواده ارائه نمی‌دهد. به نوشته او، مردان با همسران خود خوب رفتار می‌کنند. تنبیهات بدنی به هیچ وجه مورد ندارد. زنان بر همه امور اعمال نفوذ می‌کنند، حتی در کارهای سیاسی و سقوط بعضی از حکام یا وزراء، نیز سرنخ را باید در اندرون جستجو کرد⁴⁵. جملات گفته شده نشان دهنده قضاوت پولاک در مورد زنان درباری و متمول است. اما مطالب بعدی که در مورد جایگاه زنان درباری و عادی نقل می‌کند، نشان دهنده تناقض در نوشته‌های اوست. پولاک به ازدواج ملک زاده خانم عزت الدوله خواهر شاه با میرزا تقی خان فراهانی معروف به امیرکبیر صدراعظم، اشاره می‌کند. خواهر شاه در حالی که دوازده سال و یا به روایتی شانزده سال بیشتر نداشت با امیرکبیر مردی که در آستانه کهولت (پنجاه و پنج سالگی) قرار داشته و از زن اول خود نیز پسر بزرگی داشت به فرمان ناصرالدین‌شاه ازدواج می‌کند. این تحکم شاه به ازدواج خواهرش با امیرکبیر و بعد از کشته شدن امیر، به ازدواج‌های بعدی، نشان از حاکمیت فرهنگ مردسالاری در دربار ناصری است. وضعیت زنان دربار ناصری مایه حسرت کسی نمی‌شد، زیرا این زنان، جدا از دیگران، و تقریباً در اسارت به سر می‌بردند. مستمری متوسط ماهی پنجاه تومان به آنان داده می‌شد که به زحمت مخارج آنان را تکاپو می‌کرد. اگر زنی اجاقش کور بود و یا بچه‌اش می‌مرد، به بیچارگی و شوربختی دچار می‌شد و موقعیتش را از دست می‌داد. معمولاً زنان حرمسرا حق خروج از اندرونی و ورود به اتاق‌های بیرونی قصر را نداشته‌اند مگر اینکه گاهی شاه تمام مردان دور و بر را مرخص می‌کرد و آنگاه به زنان اجازه داده می‌شد که به قصر بیایند. به این کار «قرق» می‌گفتند. هرگاه شاه به سفر یا به جنگ می‌رفت، فقط یک زن را به همراه می‌برد و دیگران در غیاب او باید به یکی از بیلاقات می‌رفتند و در انتظار بازگشت شاه می‌ماندند⁴⁶.

زنان حرمسرا، مجاز به ترک قصر هم نبودند و هرگاه یکی از زنان خاندان سلطنت با اسب از قصر خارج می‌شد این امر فقط در سفرها و نقل و انتقالات صورت می‌گرفت، در این صورت به محض شنیدن فریاد خواجه‌ها، تمام کسانی که با قافله زنان دربار و یا همراهانش برخورد می‌کردند باید مخفی می‌شدند و یا راه خود را طولانی کنند و دور بزنند. در یک مورد که یکی از مأمورین سیاسی اروپایی از این دستور خودداری کرد، کار به مذاکرات پیچیده و حتی مبادله یادداشتهای شدیدالحن کشیده شده است.

4-2- ازدواج در سنین پایین

یکی از موضوعات رایج در خانواده‌های ایرانی در دوره ناصری، ازدواج در سنین پائین بود. خانواده‌ها در تأهل فرزندان خود شتاب داشتند و به محض اینکه فرزندان به سن ازدواج می‌رسیدند، آنها را وادار به ازدواج می‌نمودند. معمولاً دختران را در سنین یازده و دوازده سالگی وادار به ازدواج می‌کردند.⁴⁷ به نوشته پولاک، ازدواج دختران در سنین پائین مانند قوانین و مقررات آئین یهود رواج داشت. دختر به محض اینکه به سن بلوغ می‌رسید باید شوهر می‌کرد. علائم بلوغ هم این بود که موی زیربغل و زهار شروع به روئیدن کرده باشد و به ندرت دختری وجود داشته که بعد از بیست سالگی بی‌شوهر مانده باشد.⁴⁸ معمولاً انتخاب شوهر هم در دست دختران نبوده، بلکه این بزرگترها بودند که برای او همسر انتخاب می‌کردند.⁴⁹

همه جا هم این عقیده شایع بوده که مردان پیر در اثر ازدواج با دختری کم سن و سال به جوانی می‌رسند. ازدواج مردان کهنسال با دخترچه‌های کم سن و سال چنان امر رایجی شده بود که به قول پولاک «نه جلب توجه خاصی می‌کرد و نه یاوه‌گویی را باعث می‌شد» البته برعکس آن به ندرت رخ می‌داد یعنی مرد شانزده ساله‌ای به سهولت یک زن مسن را به ازدواج خود درآورد مگر آنکه خانوادگی، صنعتی یا مالی مد نظر باشد.⁵⁰

تحکم مردان خانواده به ازدواج دختران کم سن و سال منحصر به افراد عادی نبوده، بلکه در خانواده‌های درباری اشراف نیز این امر رواج داشت چنانکه گفته شد به دستور شاه، عزت‌الدوله در سنین پائین با صدراعظم وقت امیرکبیر، مجبور به ازدواج شد. در حالی که شاهزاده خانم مدتها با این پیشنهاد مخالفت می‌ورزید. بعد از کشته شدن امیرکبیر، مجدداً به دستور شاه، عزت‌الدوله به عقد پسر صدراعظم جدید (میرزا آقا خان نوری) درآمد. در حالی که به این وصلت هم راضی نبود. اما در مقابل اوامر شاه سر تسلیم فرود آورد ولی با این جملات نارضایتی خود را ابراز داشت: «من به تو حق

می‌دهم که مرا به عقد کاظم خان و همه وزرای بعدی درآوری»⁵¹. شدت رنج و درد عزت‌الدوله را پولاک این‌گونه می‌نویسد: «درمدت اقامت در ایران چندبار به حضور عزت‌الدوله برای معاینات پزشکی رسیدم و هرگاه احوال او را می‌پرسیدم در جواب می‌گفت «قلبم درد می‌کند». در خانواده‌های کم‌درآمدتر هم دخترها را در ده یا یازده سالگی شوهر می‌دادند.⁵² اینگونه است که زن ایرانی زود پیر می‌شد، و در سی و پنج سالگی دیگر عجزه به حساب می‌آمده، در نتیجه اغلب شنیده می‌شده که می‌گویند «ای وای جوانی رفت»⁵³.

4-3- تعدد زوجات

به نوشته پولاک، علیرغم آزادی مردان در داشتن چهار همسر عقدی و تعداد نامحدودی زن صیغه‌ای، عموماً اصل بر تک همسری بوده و تعدد زوجات یک امر استثنایی به شمار می‌رفته بخصوص در مواردی که یکی از مقامات، شاهزاده خانمی را بگیرد، وی غیر از آن شاهزاده خانم حق گرفتن هیچ زنی را نداشته است. در شهرها فقط خان‌ها و مامورین دولت سه تا چهار زن می‌گرفتند. اصناف و پیشه‌وران و بازرگانان، چون از بی‌نظمی و ولخرجی بیزار بودند و از عهده مخارج چند زن بر نمی‌آمدند، به یک زن اکتفا می‌کردند. اما در میان قبایل چادرنشین رویه تک همسری رواج داشته، حداکثر اینکه یکی از روسای طوایف دو تا سه زن بگیرد.⁵⁴

علیرغم این سخن پولاک، رسم چندهمسری در میان طبقات مختلف اجتماعی عمومیت داشته و شامل طبقات پایین و بالای شهری و روستایی و سلطنتی هم می‌شده اس. سوزوگدازی که زنان در ازدواج مجدد همسرانشان داشته‌اند سبب دردها و بیماری‌هایی می‌شده که سبب مراجعه آنان به پزشک می‌گردید. پولاک می‌نویسد این‌گونه زنان برای کاهش آلام و رنج خود چنان احساس درماندگی می‌کردند که هرگاه پزشک احوالشان را می‌پرسید می‌گفتند «باد عرضی دارم» درحالی که هیچ دارویی درمان درد و رنج آنان نمی‌شد.⁵⁵

مطمئناً با ورود زنان جوان و جدید به جمع همسران، جایگاه و موقعیت زنان قبلی تغییر می‌کرد. موقعی که زن تازه‌ای وارد زندگی مرد می‌شد، معمولاً پول توجیبی و عیدی زن سابق کم می‌شد و هزینه خرید لباس و وسایل او نیز کاهش می‌یافت. اگر زن فرزندی نداشت با ورود رقیب تازه واردش، و مخصوصاً اگر زن جدید برای شوهر فرزندی هم می‌آورد، سرنوشت مصیبت‌باری در انتظار همسر قبلی بوده است.

سوزنده‌ترین دردی که آتش به جان زن ایرانی می‌اندازد، زن جدید گرفتن شوهرش، مهرورزیدن به هووی دیگری است. در چنین شرایطی، رنج زنان به هیچ صورت تسلی نمی‌پذیرد.⁵⁶ موضوع تعدد زوجات در حرمسرا هم سبب تحریک حس حسادت و رقابت زنان با یکدیگر شده و اغلب فرزندان که از این ازدواج‌ها متولد می‌شدند نسبت به برادران و خواهران ناتنی خود حس نفرت و انزجار داشتند و چه بسا خشونت‌های شدیدی بین آنها درمی‌گرفت که گاه موجب قتل هم می‌گردید.⁵⁷

4-4- اهمیت فرزندآوری و بخصوص پسر زائیدن

درست است که عقیم بودن در تمام کشورها یک مصیبت و حادثه ناگواری بود اما این نقص در ایران جزء بزرگترین مصیبت‌ها به شمار می‌رفته است. زن عقیم تقریباً همیشه مطرود شوهر خویش بوده و مورد تمسخر و استهزاء سایر زنان قرار می‌گرفته است و طلاق معمولاً زمانی صورت می‌گرفت که زن نتواند بچه بیاورد و این نقص هم از ناحیه وی شناخته شود.⁵⁸

اصولاً پسرزایی آرزوی هر زن جوان پسر از ازدواج بوده است. بخصوص در خانواده سلطنتی پسرزایی امتیازات زیادی داشت. به عنوان نمونه ماجرای دو پسر جیران (فروغ السلطنه) همسر مورد علاقه ناصرالدین شاه است. علاقه شاه به جیران سبب شد که شاه تصمیم به جایگزینی ولایتعهدی جیران به جای مظفرالدین میرزا پسر شکوه‌السلطنه (که همسر مورد علاقه شاه نبود) بگیرد. از پولاک به عنوان طبیب دربار خواسته شد که سندی بنویسد مبنی بر اینکه مظفرالدین میرزا از نظر دماغی و جسمی ضعیف است و شایستگی رسیدن به سلطنت را ندارد. البته پولاک حاضر به چنین عملی نشد. در عین حال ناصرالدین شاه، میرزا قاسم خان فرزند اول جیران را به ولایتعهدی برگزید و پسر دوم او را هم در گهواره به سمت «امیر توپخانه» منصوب نمود. اما سرانجام رقابت و حسادت داخل دربار، حادثه تلخی به بار آورد و آن هم این بود که هردو پسر جیران در خردسالی به طرز مشکوکی درگذشتند.⁵⁹ با توجه به جو و فضای مردسالار اجتماعی دوره ناصری، فرزندپسر، حامی و حمایت‌گر خوبی از مادر در جوانی و پیری بوده است.

4-5- رواج خرافات

اهمیت ازدواج و فرزندآوری و بخصوص زائیدن پسر، رسم تعدد زوجات و تلاش برای کنار زدن رقیب و رفع گرفتاری‌ها از جمله عوامل پناه بردن زن ایرانی به خرافات بوده است.

اهمیت شوهر کردن دختران سبب شده بود که دخترانی که در انتظار پیدا کردن شوهر بودند و نگرانی از دیر شدن آن داشتند به سوی مناره‌ای در نزدیک اصفهان به نام مناره «کون برنجی» بروند و با خواندن شعر و مالیدن بدن خود بر مناره، خواهان رفع مشکل ازدواج و یافتن شوهر شوند و یا اینکه دخترها به روی مال‌بند آسیابی که به کمک اسب حرکت می‌کرد نشسته و دوبار به دور آن می‌چرخیدند و طلب حاجت می‌کردند و یا اینکه زنان و دختران با گردش دور توپ مرواری¹، خواهان رفع حوائج خود می‌شدند.⁶⁰ از دیگر کارهای خرافاتی زنان که بازهم سبب خانوادگی داشت این بود که زنانی که ازدواج کرده بودند و نگران از رقیب (هوو) و از دست دادن مهر و محبت شوهرشان بودند سراغ پیه خوک می‌رفتند. و از آنجایی که پیه خوک در ایران به زحمت به دست می‌آمد به سراغ طبیب (پولاک) رفته و از او قدری پیه خوک طلب می‌کردند. زنان معتقد بودند اگر موفق شوند مقداری از پیه خوک را به تن رقیبشان بمالند اجاق رقیب کور می‌شود و از چشم همسرش می‌افتد و در نتیجه شوهر به‌سوی زن اولی برمی‌گردد.

زنان به دلایل مختلف بیش از مردان مستعد گرایش به خرافات بودند و این امر حتی در بین زنان درباری و حرمسرا نیز به وفور به چشم می‌خورد. زنانی که طالب فرزند پسر بودند و یا دختران علاقمند به ازدواج و برای از میان بردن رقیب به دغانویسان و رمالان پناه می‌بردند.

از اقدامات خرافی دیگر دوره ناصری که در نوشته‌های پولاک آمده، دفع خطر از فرزند پسر است به دلیل اهمیت پسر در خانواده برای رفع خطر از فرزند پسرشان شب هنگام شمشیری را در چهار جهت می‌چرخاندند و فکر می‌کردند با این کار موجودات بدطینت را از اطراف فرزند پسرشان فراری می‌دهند.⁶¹ بنابراین در جامعه قاجار، به دلیل کم سواد و بی سواد بودن زنان به خرافات اعتقاد زیادی داشتند در جامعه ای که امر آموزشی برای پسران غیرضروری و برای دختران عیب شمرده می‌شد، زمینه بیشتری برای رواج خرافات وجود داشت.

¹ توپ مرواری: یک توپ نظامی بزرگی در میدان ارگ قدیم روبروی نقاره خانه قدیم جای گرفته بود و علت نامگذاری آن هم این بود که بر دهانه توپ آویزان بوده است. خرافات بسیاری پیرامون توپ مرواری رواج داشت و مردم برای گرفتن حاجت های خود به آن توسل می‌جستند، عده ای از زنان و دختران به نیت حاجت روائی و بخت گشایی به دورش جمع می‌شدند و به آن دخیل می‌بستند. این عمل در شب های بیست و هفتم ماه رمضان و یا در شب های قدر بیشتر انجام می‌شد (کتبیرایی، 1378: 133 - Encyclopedia of Islam 20-1200)

4-6- تفریحات و سرگرمی

عمده‌ترین تفریح و سرگرمی زنان ایرانی در دوره ناصری، دیدوبازدید خویشاوندان و دوستان، قلیان کشیدن در جمع خانواده و یا خویشان و فامیل و خوردن شیرینی‌های مختلف و میوه‌های چربی‌دار مانند گردو و پسته و بادام و نوشیدن چای و قهوه و به ندرت ممکن بوده است به خواندن کتاب یا نوشتن مطالبی مشغول شدند.⁶²

به نوشته پولاک، عمده‌ترین تفریح و سرگرمی نزد مسلمانان (ایرانیان) روابط جنسی بوده است. برای آنان لذت جنسی چنان منبع پایان ناپذیر بوده که معتقد بودند در جهان دیگر هم این لذت‌ها ادامه می‌یابد.⁶³

دریافت و آگاهی دقیق در نظری راجع به این موضوع کاری سخت بوده است حتی برای پزشکی مانند پولاک که مدت ده سال در ایران اقامت داشته و از نزدیک به اسرار پزشکی زنان و مردان آشنا بوده است از علت این موضوع اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. ظاهراً درباریان به غیر از برنامه‌های آشکار اجتماعی که از تفریح و خوشگذرانی داشته‌اند، رفتارهای غیرعلنی و مخفیانه هم خلاف عرف و شرع، انجام می‌داده‌اند که پولاک به آن اشاره می‌نماید «دعوت به میگساری در خفا صورت می‌گرفت. میهمانان چنان شراب می‌خوردند که بیهوش و گوش به زمین می‌افتادند رقاصه‌ها و مطرب‌ها هم ناچار بودند با حرکات و آوازهای قبیح خود حضار را شاد و مسرور نمایند»⁶⁴.

به نظر می‌رسد پنهانکاری و ریاکاری یکی از خصوصیات خاندان سلطنتی بوده است. چنانکه گفته شد فساد در درون حرمسرا در حدی وجود داشته که اغلب خواجه‌ها، حاجب‌ها و محافظان، هیچکدام قادر به حفظ و حراست پاکدامنی زنان نبودند.⁶⁵

اشتغالات زنان طبقات فقیر، پشم ریزی بوده آنان از رشته‌های پشم که می‌ریسیدند جوراب، فرش، جل اسب می‌بافتند. اما زنان اعیان سرگرمی‌های متنوعی داشتند که حمام رفتن، قلیان کشیدن، دید و بازدید و خوردنی‌های متنوع بوده است.⁶⁶

6- زنان در «سفرنامه ناصرالدین شاه»

ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه قاجار بود که طولانی‌ترین دوران سلطنت را برعهده داشت. ناصرالدین میرزا در سال 1830 م به دنیا آمد. او پسر ارشد محمدشاه ومهدعلیا بود از طرف پدر و مادر از تیره قوانلو بود. محمدشاه در سه شنبه شش شوال، درگذشت و ناصرالدین میرزا در 21 ذیقعد

1264 ق/بیستم اکتبر 1848م، رسماً پادشاه ایران شد. ناصرالدین شاه سه بار به اروپا سفر کرد (جدول شماره 1) و خاطرات این سفرها را به صورت یادداشت‌های روزانه نوشته است. او در نوشته‌های خود مهم‌ترین دلایل اولین سفرش به اروپا را ملاقات با سلاطین اروپایی و تح کیم مناسبات دوستانه و همچنین بازدید از صنایع و کارخانجات و پیشرفت‌های اروپاییان عنوان می‌کند.⁶⁷ ناصرالدین شاه قبل از سفر به اروپا، سفری هم به عتبات داشته است اما سفر به اروپا، اولین سفر یک پادشاه ایرانی بوده است. به نظر می‌رسد یکی از نتایج سفرهای سه‌گانه ناصرالدین شاه به اروپا، آشنایی او با پیشرفت‌های علمی و صنعتی جوامع اروپایی از یک سو، و مشاهده تغییرات اجتماعی زنان اروپایی از سوی دیگر بوده است. با مطالعه یادداشت‌های ناصرالدین شاه متوجه می‌شویم زن در نگرش شاه با دیدگاه لیدی شیل و ادوارد پولاک متفاوت است. ناصرالدین شاه در سفرهای سه‌گانه به اروپا، زنان اروپایی را به لحاظ التذاذ جنسی، وضعیت تن و بدن، لباس و پوشاک، زیبایی و زشتی، سن و سال مورد ارزیابی قرار داده و توجه چندانی به جایگاه اجتماعی زنان اروپایی و اجتماعی آنان ننموده است.

6-1- زنان مورد توجه شاه در اروپا

با مطالعه یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه در سفرهای سه‌گانه به اروپا سوالی به ذهن می‌رسد؛ کدام دسته زنان اروپایی مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفتند؟ در یک کلمه می‌توان گفت «رقاصه‌ها» از جمله زنانی بودند که مورد توجه و علاقه شاه قرار گرفتند. شاه به خوشگلی و لباس و رقص آنان توجه زیادی نشان داده و رقص آنان را چنان پسندیده که رقص کریم شیرهای و اسمعیل بزاز در دربار از چشمش افتاده در مقایسه رقص این زنان رقصه، با آنان می‌نویسد که آنان هیچکدام مهارت رقص این زنان را ندارند. از نکات قابل توجه و اهمیت برای شاه نمایش بالرین‌ها و مشاهده رقص زنان در تماشاخانه‌ها با لباس‌های زیبا بوده است.⁶⁸ با ملاحظه یادداشت‌های سفر شاهانه، در جای جای آن مطالبی از خوشگذرانی و چشم‌چرانی‌های شاه به قلم خودش آورده شده است. ناصرالدین شاه به جای توصیف جایگاه اجتماعی زنان اروپایی که در زمان حضور او در بالاترین مقامات حکومتی بودند؛ (مانند ملکه ویکتوریا پادشاه انگلستان) هیچ ذکری از زنان قدرتمند اروپا و یا جنبش‌های اجتماعی زنان به میان نمی‌آورد و حتی نام ملکه انگلستان را در یادداشت‌هایش نیاورده و فقط به لفظ پادشاه اکتفا کرده است.⁶⁹ بیشترین روایت‌های شاه از فرنگیان توصیف پیکر و بدن، لباس، آرایش و جواهرات زنان فرنگی است و در این مشاهدات، بی‌حجابی و حضور زنان در میان مردان، از عمده‌ترین وجوه تمایز زنان غربی، با زنان ایرانی و مورد توجه شاه قرار

گرفته است⁷⁰ ناصرالدین شاه که از محیط بسته جامعه ایران با فضای باز اروپا آشنا شده بود دچار حیرت و شگفتی گردیده بود. چشم‌چرانی‌های شاه و اعوان و انصارش در اروپا از عجایب است در نوشته های شاه آمده که در کشور مجارستان به همراه همراهانش مهندس الممالک کتابچی و دندانساز و برادرش چنان غرق نگاه به یک زن شوهردار می‌شوند که بقیه مردم متوجه شده و اسباب رسوایی آنان را فراهم می‌آورد در حالی که در آغاز این دیدار، همسر این خانم، خودش را به شاه و همراهانش به عنوان شوهر این زن، معرفی کرده بود در محافل خصوصی و عمومی این نحوه رفتار شاه و چشم‌چرانی‌هایش مورد تمسخر قرار می‌گرفته است.⁷¹ به نظر می‌رسد برای شاه فقط زنان خوش هیكل و خوش لباس قابل توجه بوده‌اند و لاغیر. هنگامی که شاه برای بازدید کارخانه ژیرارد در شهر ورشوی لهستان، در محل کارخانه حضور می‌یابد از زنان کارگر آنجا خوشش نمی‌آید. در میان دوهزار زن که در کارخانه کار می‌کردند، شاه هرچه نگاه می‌کند یک زن خوشگل نمی‌یابد، زیرا به نوشته شاه این بیچاره‌ها در بیست و چهار ساعت، روزی نه ساعت در کارخانه به ناچار کار می‌کنند و همگی به نظر شاهانه زشت و رنگ پریده جلوه می‌کردند.⁷²

6-2- خرافات

در یادداشت‌های سفرهای سه‌گانه ناصرالدین شاه به فرنگستان، فقط در یک جا به رسم خرافی اروپائیان اشاره می‌شود که آن هم شباهتی به خرافات رایج در ایران نداشته، در سفر اولی که ناصرالدین شاه به اروپا رفت در اول خاک بلژیک در منطقه‌ای به نام «اسپا»¹ سنگی را به او نشان دادند و جای پای بزرگی بر روی سنگ مشاهده می‌شد که براساس توضیحات حاکم منطقه هرکسی پایش را بر روی اینجا پا می‌گذارد هر آرزو و خواسته‌ای داشت برآورده می‌شد.

ناصرالدین شاه گزارش این بازدید را در یادداشت‌های روزانه سفرش از بلژیک نوشته است. به نظر می‌رسد ذکر این موضوع توسط شاه به دو دلیل بوده، دلیل اول اینکه مشاهده این صحنه برای شاه سبب تعجب و شگفتی شده که در کشورهای پیشرفته و متری مغرب زمین هم خرافات رواج دارد و احساس همخوانی با این موضوع می‌نماید و دوم اینکه به نظر شاه با بیان این موضوع، از کرامت و زشتی خرافات رایج بین خانواده‌ها و زنان ایرانی کاسته شده و اروپائیان نیز مردمانی خرافاتی معرفی می‌شدند، البته مقایسه این خرافه با آنچه که در ایران رایج بوده اشتباه است. زیرا بیشتر خرافات رایج و

¹ «Spa» منطقه‌ای توریستی در بخش شرقی بلژیک در نزدیکی لیژ بوده و قدمت آن به زمان رومیان برمی‌گردد و quae spadanae نامیده می‌شود.

گفته شده از خانواده و زنان ایرانی، مسائل خانوادگی و همسری بوده که با این خرافات رایج نزد اروپائیان متفاوت به نظر می‌رسد.

6-3- سرگرمی و تفریحات زنان غربی

تفریحات عمومی که در غرب وجود داشته مانند رفتن به نمایش باله، تماشایخانه‌ها و یا همان سالن‌های تئاتر و تماشای هنرهای نمایشی رفتن به باغ وحش و سیرک و اغذیه‌فروشی‌ها سبب می‌شده که ناصرالدین‌شاه با احساس خوبی از آنها توصیف نماید و آنقدر غرق در این تفریحات و خوشگذرانی شده که به ندرت به موضوعات اساسی و بده‌بستان‌های سیاسی توجهی نشان دهد. جلوه‌های ظاهری پیشرفت‌های غربی برای مهم‌تر از بقیه مسائل به نظر می‌رسید تا حدی که یکی از سرگرمی‌های ناصرالدین‌شاه در سفر به فرنگ «خرید» بوده است. شاه می‌نویسد در بسیاری از شهرها، «خرید زیادی» شد. خریدهایی که در سفرهای شاه به اروپا انجام شده، نشان‌دهنده درک سطحی او و همراهانش از هدف سفر به اروپا بوده است. سیاهه‌ای از اجناسی که شاه و اطرافیانش در سفر سوم خریداری کردند کادوهای نامناسبی بودند که تفکر عوامانه و سطحی و سبکی شاه و همراهانش را نشان می‌دهد. نمونه‌ای از این خریده‌ها عکس‌های زن برهنه 200 قطعه، خریداری شده توسط احمدخان پیشخدمت، عکس زن لخت و هرزه در پاریس 20 قطعه خریداری شده در پاریس توسط حاجی آقا⁷³، عکس زن لخت وسط عدد 7 قطعه، خریداری شده توسط ادیب‌الممالک در هلند⁷⁴ عکس کوچک زن لخت خرید از شهر وین تعداد نیامده خریداری شده توسط میرزاابوالقاسم⁷⁵.

7- مقایسه جایگاه زنان در سه سفرنامه (شیل، پولاک، ناصرالدین‌شاه) در عصر ناصری

با بررسی جایگاه اجتماعی زنان در سه سفرنامه عصر ناصری، نکات ذیل به نظر می‌رسد.

1- لیدی شیل در طول چهارسال اقامت در ایران با توجه به ملاقات‌هایی که با مهدعلیا (مادرشاه) و عزت الدوله (خواهر شاه) داشته و از نزدیک وضعیت زنان را در حرمسرا، مشاهده کرده مقام و موقعیت مهدعلیا در تصمیمات کشوری و عزل و نصب مقامات و تسلط بر امور اندرونی را مد نظر قرار داده و در این موضوع با نوشته‌های ادوارد پولاک همخوانی دارد. لیدی شیل و پولاک به دلیل ارتباط با دربار ناصری از وضعیت زنان حرمسرا و تسلط فرهنگ مردسالاری بر آنجا حکایت‌ها دارند.

2- در مقایسه آماری سفرنامه شیل و پولاک، به نظر می‌رسد تعداد صفحاتی که پولاک به مسائل اجتماعی زنان ایران پرداخته بیشتر است (جدول شماره 2) شاید علت آن هم منصب طبابت پولاک

بوده باشد. پولاک به این دلیل که سمت طبابت داشته با زنان بیشتری از زنان دربار و طبقات متمول و عادی سروکار داشته و نکات بیشتری از رنج‌ها و آلام زنان ایرانی در ازدواج در سنین پایین و فرزندآوری و مشکلات تعدد زوجات و رنجی که زنان از بابت چندهمسری شوهرانشان تحمل می‌کردند آورده است.

3- اقامت نسبتاً طولانی پولاک در ایران (قریب ده سال) سبب شده به انواع بیماری‌های رایج در بین زنان ایران توجه نشان دهد و تاحدی به نکات مثبت رسم‌های ازدواج در سنین پائین و تعدد زوجات هم اشاره داشته باشد. دیدگاه شیل نسبت به زنان ایرانی، معمولاً با تکبر و تفرعن انگلیسی آمیخته بوده اما پولاک اغلب نگاه بی‌طرفانه‌تری در مباحث زنان ایران داشته است. برعکس شیل که اشاره‌ای به ازدواج دختران و پسران در سنین پائین نداشته، پولاک به طور مفصل ازدواج در سنین پائین با مردان کهنسال را توضیح می‌دهد.

4- در موضوع فرزندآوری و بخصوص اهمیت زائیدن فرزند پسر برای زنان، در سفرنامه پولاک مطالب بیشتری آمده است (جدول شماره 2).

5- اهمیت همسریابی برای دختران و زنان و جلب توجه و محبت همسر از نکاتی بوده که سبب رواج خرافات در بین زنان ایرانی دوره ناصری می‌شده که شیل و پولاک هر دو به آن توجه نشان داده‌اند. البته حجم مطالب پولاک در این قضیه هم بیشتر است.

6- در موضوع سرگرمی و تفریحات، شیل و پولاک به طور یکسان به آن پرداخته‌اند. ضمن اینکه شیل مقایسه‌ای هم بین سرگرمی و تفریح زنان ایرانی با زنان اروپایی می‌نماید و از تفریحات زنان ایرانی اظهار کراهت و بی‌میلی می‌نماید.

7- یکی از تفاوت‌های نوشته‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی دوره ناصری با یادداشت‌های روزانه خاطرات ناصرالدین‌شاه به اروپا، توجه زیاد ناصرالدین‌شاه به سرگرمی و تفریحات و بخصوص توجه به جنبه‌های جنسی و جسمی زنان اروپایی است. در مطالب سفرنامه ناصرالدین‌شاه خوشگذرانی و لذت جویی و هوسرانی اساسی دید و بازدید و بیشتر به مسائل پیش پا افتاده و شخصی پرداخته شده است. موضوعات سطحی و گاه مستهجن و دور از شأن و نزاکت آمده و به موقعیت و جایگاه زنان اروپایی، فقط به لحاظ چهره و ظاهر توجه شده اغلب نگاه به زنان جنسی و غیر اخلاقی است. به وضعیت سیاسی اجتماعی زنان فرنگی پرداخته نشده در حالی که در سالهای سفر ناصرالدین‌شاه به

اروپا (اواخر قرن نوزده) فعالیت زنان اروپایی برای کسب برابری و تساوی حقوقی به شدت رونق داشته اما در سفرنامه ناصرالدین شاه به آن توجه نشده است.

8- در نهایت یکی از نتایج سفر ناصرالدین شاه به اروپا، تحت تأثیر قرار گرفتن شاه از شیوه لباس و آرایش زنان غربی است که بعد از بازگشت، زنان حرمسرا نیز تحت تأثیر لباس‌های زنان فرنگی در مجالس رقص، باله و میهمانی‌ها قرار گرفته و مدل‌های جدیدی زنان درباری رواج می‌یابد و همچنین تکیه دولت، ملهم از تالارهای کنسرت اروپا ساخته و فضاهای زنانه و مردانه تفکیک می‌شود.

نتیجه گیری

در موضوع جایگاه اجتماعی زنان عصر ناصری، در سفرنامه‌های شیل-پولاک و ناصرالدین شاه مشابهت و تفاوت‌هایی وجود دارد. لیدی شیل به حاکمیت فرهنگ مردسالاری و تعدد زوجات و سرگرمی و تفریحات رایج به زنان ایران پرداخته و در موضوع تعدد زوجات و سرگرمی‌ها مقایسه‌ای در وضعیت زنان ایران و اروپا نموده است. ادوارد پولاک، به دلیل منصب طبابت که در بین خانواده‌های درباری داشته اطلاعات دقیقی آورده و از آنجا که طبیب به اسرار بیمارانش آگاهی می‌یابد، در نتیجه پولاک، اطلاعات دقیق‌تری از موضوع ازدواج دختران در سنین پائین و رواج خرافات و نوع سرگرمی زنان عصر ناصری نگارش نموده است. بیماری‌های رایج بین زنان و علت ناراحتی و رنج زنان را شرح و بسط داده است. در نوشته‌های لیدی شیل، جانبداری و تعصب انگلیسی مشهود است اما پولاک تلاش نموده بیطرفانه وضعیت اجتماعی زنان ایران را به نگارش درآورد. در نوشته‌های پولاک، جنبه‌های مثبتی از ازدواج زود هنگام دختران و مباحث طلاق و فرزند آوری و تعدد زوجات نیز مورد توجه قرار گرفته و ضمن بیان رنج و الم زنان از چند همسری شوهرانشان، به سلامت جسمی و روحی اکثریتی از زنان اشاره می‌شود.

ناصرالدین شاه در سفرهای سه گانه به فرنگ، به جایگاه سیاسی اجتماعی زنان اروپایی توجهی نشان نداده، بلکه توجه او به تفریحات و سرگرمی‌های رایج در غرب بوده و از زنان اروپایی نیز به لحاظ آرایش، لباس، جنبه‌های جسمی و جنسی زشتی و زیبایی آنان پرداخته است.

بنابراین نگرش ناصرالدین شاه به جایگاه زنان اروپایی با نوشته‌های دیگر سفرنامه‌نویسان که به ایران آمدند (بخصوص شیل و پولاک) متفاوت بوده است. در حالی که او به عنوان یک مقام سیاسی و در

پی مأموریت حکومتی و به دعوت سران حکومت‌های اروپایی (بخصوص سفر اول) به این سفر اقدام نموده به جای تشریح و توضیح اوضاع اجتماعی زنان اروپا، به جنبه‌های سطحی و ظاهری و حتی جسمی و جنسی زنان غرب پرداخته است. تفاوت عمده یادداشت‌های ناصرالدین‌شاه در موضوع زنان با سفرنامه شیل و پولاک در همین جنبه نهفته است.

به نظر می‌رسد دغدغه‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی از جمله شیل و پولاک، نسبت به جایگاه اجتماعی زنان ایران در دوره قاجار، براساس تغییر و تحولاتی بوده که در وضعیت زنان اروپایی شکل گرفته بود. از آن سو، نگرش ناصرالدین‌شاه به زنان در سفرهای سه‌گانه به اروپا نیز، ناشی از اندیشه و تفکر مردسالارانه حاکم بر جامعه ایران بوده است.

Comparison of women social situation in three travelogues written during Naser-al-Din Shah monarchy (1848-1896)

Abstract

Social situation of women was one of the considerable subjects for those who wrote books about their travels to Iran during Naser-al-Din Shah period. There was an increase in the number of travels between Iran the Europe in fifty years of Naser-al-Din Shah monarchy and Mary Sheil (wife of British minister of foreign affairs) and Eduard Jakob Polak (Austrian medicine) were two of people who travelled to Iran at that time. They wrote about their observations in Iran which contains valuable information of women situation during Naser-al-Din shah period because they had the opportunity to visit Mahd-e-Olia (shah's mother), Ezat-al-Dole (Shah's sister) and other court women. Naser-al-Din Shah was the first Iranian king who had three trips to the Europe and wrote books about his observations. What he wrote about physical properties of European women and their sexual features, motivates many researchers to explore this type of behavior.

In the present research, we studied social-familial situation of Iranian women reflected in Sheil and Polak travelogues, and compared them with Naserl-al-Din Shah's observations in his west travelogue. This is done based on a descriptive-analytical method based on the original resources (Sheil, Polak and Naser-al-Din Shah). Results clarified that Polak's occupation (as a medicine) enabled him to represent more information about Iranian women situation. Sheil and Polak both considered social problems of Iranian women, however Naser-al-Din Shah rather focused on physical and sexual properties of women compared to their social situation.

keywords: social situation, women, Polak, Sheil, Naser-al-Din Shah, Travelogue

پی نوشت ها

- ¹ ناصرالدین شاه قاجار (1379)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان (1295ق)، سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد به کوشش فاطمه قاضیها، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ص3 و4.
- ² فصیحی زاده، اعظم، (1394)، "زن ایرانی از دید سفرنامه نویسان خارجی دوره قاجار"، فصلنامه تاریخ پژوهی، مجله انجمن علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، شماره 64، ص.155.
- ³ میشل، آندره، (1372)، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، نشر نیکا، صص. 99-95.
- ⁴ دولاندن، ش. (1368)، تاریخ جهانی از قرن شانزدهم تا عصر حاضر، ترجمه احمد بهمنش، تهران: دانشگاه تهران، ص.372.
- ⁵ لگیت، مارلین، (1394)، زنان در روزگارشان، تاریخ فمینیسم در غرب، مترجم نیلوفر مهدیان، تهران: نشر نی، ص.286.
- ⁶ همان، 287
- ⁷ میشل، آندره، (1372)، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، نشر نیکا، صص. 96-97؛ استوارت میل، جان، (1379)، انقیاد زنان، ترجمه علاءالدین طباطبایی، تهران: هرمس، صص. 15-16.
- ⁸ محبوبی اردکانی، حسین، (1354)، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران. 245/1.
- ⁹ رایس، کلارا کولیور، (1366)، زنان و راه و روش زندگی آنان، ترجمه اسداله رضوی، تهران: کتابدار. صص. 77-79.
- ¹⁰ اولیویه، گیوم آنتوان، (1371)، سفرنامه اولیویه، ترجمه محمدطاهر میرزا، چاپ اول، تهران، اطلاعات. ص.86.
- ¹¹ دروویل، گاسپاروود، (1377)، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی، چاپ اول، تهران: (بی تا)، بی جا. ص. 53؛ سرنا، کارلا، (1362)، آدمها و آئینها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار. ص. 297.
- ¹² بانو مری لئونورا وولف شیل (Lady Mary Leonora Woulfe Sheil) همسر جاستین شیل سفیر انگلستان، در اوایل دوره پادشاهی ناصرالدین شاه بوده است. مری شیل دختر یک بارون ایرلندی به نام اسفان وولف بود که در خزانه داری ایرلند کار می کرد. او به همراه همسرش از سال 1849 تا 1853 میلادی در ایران بوده و در بسیاری از سفرها به نقاط مختلف ایران، همسرش را همراهی کرده است. او با برخی از زنان درباری از جمله مهدعلیا و عزتالدوله ملاقات داشته است. مری شیل در سال 1856 میلادی کتابی با عنوان «جلوههایی از زندگی و آداب و رسوم ایران (Glimpses of life and manners in Persia)» از خاطرات سفر خود در ایران منتشر کرده است که این کتاب در ایران با عنوان «خاطرات لیدی شیل» انتشار یافته است.

- 13 شیل، مری، (1368) *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو. صص. 92-88-161-162.
- 14 همان، ص 72-73-85-86-87.
- 15 همان، ص 92 (یک پاراگراف).
- 16 همان، ص 91.
- 17 همان، 63-64-65-88-89-90.
- 18 پولاک، ادوارد یاکوب، (1361)، *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی. صص. 158-159، 150-151، 163-164.
- 19 همان، صص. 141-142، 143-144، 145-150، 158-159، 150-151.
- 20 همان، صص. 147-148، 156-157، 164-165، 158-159.
- 21 همان، صص 30، 31، 151، 152، 153.
- 22 همان، صص 156-155، 158 و 159.
- 23 همان، صص 94-95، 141-142، 157-158، 154.
- 24 ناصرالدین شاه قاجار (1379)، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان (1295ق)*، سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد به کوشش فاطمه قاضیها، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران. صص. 184-185، 186.
- 25 همان، کتاب سوم. ص. 129.
- 26 همان، کتاب اول: ص. 195، کتاب دوم ص. 184، 185، کتاب سوم: ص. 148، 117، 112، 213، 270.
- 27 شیل، مری، (1368) *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو. صص. 88-87.
- 28 *The Circassians (Russian: Черкесы Čerkesy)*: چرکس نام قومی قفقازی هم‌ریشه با گرجی هاست که در جمهوری آدیغه روسیه و ترکیه ساکن هستند. چرکس‌ها به زبان چرکسی از گروه زبان‌های قفقازی شمال غربی سخن می‌گویند و بیشتر آن‌ها مسلمان سنی‌مذهب و پیرو مکتب حنفی هستند.
- 29 شیل، مری، (1368) *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو. صص. 161-162.
- 30 همان، ص 72-73.
- 31 همان، ص 74-75.
- 32 همان، ص 162-163.
- 33 همان، ص 89-90.
- 34 همان، ص 75.
- 35 همان، ص 86.
- 36 همان، ص 86-87.
- 37 همان، ص 63-64.

³⁸ همان، 92؛ سرنا، کارلا، (1362)، آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.ص. 297.

³⁹ ناصرالدین‌شاه قاجار (1379)، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان (1295ق)، سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد به کوشش فاطمه قاضیها، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران. کتاب دوم.ص. 218.

⁴⁰ همان، ص. 65.

⁴¹ همان، صص 63-64.

⁴² همان، صص 89-90.

⁴³ شیل، مری، (1368) **خاطرات لیدی شیل**، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.ص 91.

⁴⁴ یاکوب ادوارد پولاک (به آلمانی: Jakob Eduard Polak) (زاده 12 نوامبر 1818 در مورژینا، بوهم - درگذشته 8 اکتبر 1891 در وین)، فرزند یک خانواده بسیار فقیر یهودی بود. او تحصیلات خود را در رشته‌های پزشکی و مردم‌نگاری در دانشگاه‌های وین و پراگ به پایان رساند و در رشته پزشکی زنان تخصص گرفت. پولاک به دعوت امیرکبیر برای تدریس در دارالفنون همراه با شش استاد دیگر اتریشی در سال 1230 هجری قمری، پیش از گشایش دارالفنون به ایران آمدند. او با تربیت دانش‌آموزان دارالفنون و تألیف اولین کتب پزشکی مدرن، نقشی کلیدی در معرفی پزشکی نوین به ایران ایفا کرد. دکتر پولاک در سال 1234 ه. ق، پس از دکتر کلوله و قبل از استخدام دکتر تولوزان، طبیب مخصوص ناصرالدین شاه بود و پس از 10 سال اقامت در ایران به وطن خود بازگشت.

⁴⁵ پولاک، ادوارد یاکوب، (1361)، **سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان**، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی. صص 150-151.

⁴⁶ همان، صص. 163-164.

⁴⁷ پولاک، ادوارد یاکوب، (1361)، **سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان**، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.ص. 252؛ رایس، کلارا کولیور، (1366)، **زنان و راه و روش زندگی آنان**، ترجمه اسداله رضوی، تهران: کتابدار. ص. 78.

⁴⁸ پولاک، صص. 1361: 142-143-144-145.

⁴⁹ همان، صص. 145-150.

⁵⁰ همان، صص. 145-146.

⁵¹ همان، صص. 150-151.

⁵² همان، ص. 141.

⁵³ همان، صص. 158-159.

⁵⁴ همان، صص. 147-148.

⁵⁵ همان، ص. 156.

- ⁵⁶ همان، ص. 158.
- ⁵⁷ همان، صص. 164-165.
- ⁵⁸ همان، صص. 151-152.
- ⁵⁹ همان، صص. 162-163.
- ⁶⁰ همان، ص. 156.
- ⁶¹ همان، صص. 158-159.
- ⁶² همان، صص. 157-158.
- ⁶³ همان، صص. 141-142.
- ⁶⁴ همان، صص. 94-95.
- ⁶⁵ همان، ص. 154.
- ⁶⁶ همان، صص. 157-158.
- ⁶⁷ قاضیها، فاطمه (1377)، زن از نگاه ناصرالدین شاه در سفرنامه‌های فرنگستان، مجله حقوق زنان، فروردین، شماره 1، ص. 11.
- ⁶⁸ روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (1378)، به کوشش محمداسماعیل رضوانی، فاطمه قاضیها. انتشارات سازمان اسناد ملی ایران. با همکاری خدمات فرهنگی رسا. صص. 148-270.
- ⁶⁹ میلانی، عباس، (1372)، "ناصرالدین شاه در فرنگ"، مجله ایران شناسی، تابستان شماره 18، ص. 372.
- ⁷⁰ علیزاده بیرجندی، زهرا؛ رجیلو، قنبرعلی، (1389)، "نقد و بررسی سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به فرنگ با رویکرد تحلیل گفتمان"، نشریه جستارهای ادبی، مجله علمی، پژوهشی، شماره 168، ص. 121.
- ⁷¹ روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (1378)، به کوشش محمداسماعیل رضوانی، فاطمه قاضیها. انتشارات سازمان اسناد ملی ایران. با همکاری خدمات فرهنگی رسا. ص. 34.
- ⁷² قاضیها، فاطمه (1377)، "زن از نگاه ناصرالدین شاه در سفرنامه‌های فرنگستان"، مجله حقوق زنان، فروردین، شماره 1، ص. 129.
- ⁷³ همان، ص. 319.
- ⁷⁴ همان، ص. 302.
- ⁷⁵ همان، ص. 328.